

«کتابچه حدیث غدیر خم در منابع شیعه»

بررسی سندی ۱۳ طریق صحیح حدیث غدیر

اثبات تواتر این روایت در کتب شیعه

«مجموعه مذهبی ندای شیعه»

محقق : محمد کلهری

«فهرست»

- فهرست ۲
- درباره مجموعه ندای شیعه ۴
- علت تالیف مقاله ۷
- روایت اول قرب الاسناد ۸
- بررسی سندی حدیث اول ۹
- روایت دوم اصول کافی ۱۰
- تصحیح روایت توسط علما شیعه ۱۱
- بررسی سندی حدیث دوم ۱۲
- روایت سوم اصول کافی ۱۳
- ترجمه روایت سوم ۱۵
- تصحیح روایت توسط علما شیعه ۱۸
- بررسی سندی حدیث سوم (سند اول) ۱۹
- بررسی سندی حدیث سوم (چهار سند دیگر) ۲۲
- روایت چهارم خصال ۲۶
- ترجمه روایت چهارم ۲۸

- ۳۱ بررسی سند حدیث چهارم (سند اول و دوم)
- ۳۶ بررسی سند حدیث چهارم (سند سوم و چهارم)
- ۳۹ بررسی سند حدیث چهارم (سند پنجم)
- ۴۱ اذعان علمای شیعه به تواتر حدیث غدیر
- ۴۶ نتیجه گیری

«درباره مجموعه ندای شیعه»

مجموعه ی مذهبی ندای شیعه در ماه رمضان سال ۱۳۹۱ هجری و در سالروز میلاد با سعادت کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) آغاز به کار کرد. هدف این مجموعه دفاع از مبانی مکتب حقه ی تشیع امامیه در برابر شبهات مکاتب مخالف و منحرف و گسترش باورهای اسلام ناب محمدی (ص) است.

مجموعه ی ندای شیعه اولین مجموعه ی صوتی پاسخ به شبهات مذهبی است که به صورت فراگیر در فضای مجازی به فعالیت می پردازد. مهمترین فعالیت این مجموعه، اجرا و پخش برنامه های زنده در قالب رادیو اینترنتی ندای شیعه است. این برنامه های زنده دراستودیوی مجازی ندای شیعه در مسنجر پالتاک تولید شده و به صورت همزمان از رادیو اینترنتی ندای شیعه که در این پایگاه اینترنتی قرار دارد پخش میگردد. عمده ی این برنامه های مذهبی به موضوع معرفی و نقد ادیان و مذاهب ضاله و دفاع از مکتب تشیع در برابر شبهات میپردازد. مجموعه ی ندای شیعه همچنین اهتمام خاصی به برگزاری ویژه برنامه ها در مناسبات و وقایع مذهبی جهان اسلام دارد و در این ویژه برنامه ها از محضر اساتید برجسته ی حوزه و دانشگاه استفاده میکند.

بعد از پخش زنده و در مدت زمان کوتاهی این برنامه ها در آرشیو این پایگاه اینترنتی قرار داده شده و قابل استفاده و انتشار برای عموم می باشد. عمده ی این برنامه های مذهبی به موضوع معرفی و نقد ادیان و مذاهب و فرق ضاله و دفاع از مکتب تشیع در برابر شبهات میپردازد. شایان ذکر است که آرشیو صوتی و مناظره های مجموعه ی ندای شیعه بزرگترین و متنوع ترین آرشیو صوتی با موضوع پاسخ به شبهات مذهبی در فضای مجازی میباشد.

مجموعه ی ندای شیعه از وجود برجسته ترین اساتید حوزه و دانشگاه در عرصه ی پاسخ به شبهات، از جمله همه ی اساتید شبکه ی جهانی ولایت ، شبکه ی ثامن، شبکه ی بقیع، و شبکه های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بهره میبرد. این مجموعه مفتخر به حضور اساتیدی همچون آیت الله دکتر حسینی قزوینی ، آیت الله نجم الدین طبسی ، حجت الاسلام محمد جعفر طبسی ، حجت الاسلام معاونیان ، استاد نیکنام ، استاد رائفی پور ، حجج الاسلام ابوالقاسمی، یزدانی، عباسی، و روستایی ، شهبازیان ، آیتی ، جعفری و سایر اساتید بزرگوار شیعه بوده و همچنین به تربیت نیروهای جوان و ولایی برای دفاع از مکتب حقه ی جعفری میپردازد.

یکی از فعالیت های برجسته ی مجموعه ی ندای شیعه برگزاری مناظرات در موضوعات متنوع با مخالفین مکتب تشیع است. این مناظرات به صورت رسمی و همچنین آزمایشی در استودیوی مجازی ندای شیعه برگزار میشود و به صورت گسترده در فضای مجازی، از جمله در این پایگاه، نشر داده میشود.

این مجموعه با برگزاری پنج سال برنامه های روزانه و مناظره های گوناگون با مذاهب و مکاتب گوناگون پیشتاز دفاع از مکتب تشیع به صورت صوتی در فضای مجازی است. از مهمترین فعالیت های مجموعه ی ندای شیعه میتوان به تولید و اجرای برنامه ی ندای شیعه از شبکه ی جهانی ولایت به صورت هفتگی اشاره کرد که در آن به شبهات پوچ شبکه های ضاله ی وهابی پاسخ داده میشود. این برنامه که نگین درخشان فعالیتهای مجموعه ی مذهبی ندای شیعه است با استقبال چشمگیر بینندگان فهیم شبکه ی جهانی ولایت روبرو شد و باعث شد تا کارشناسان شبکه های ضاله ی وهابی به عجز علمی خود اعتراف کنند.

با سعی و تلاش بی وقفه ی شیعیان حضرت امیرالمومنین (سلام الله علیه)، پایگاه مجموعه ی مذهبی ندای شیعه در خط مقدم پاسخ به شبهات و ضربه زدن به ادیان و مذاهب و فرق ضاله و مخالفین مکتب تشیع قرار دارد. مقاله های متنوع که به صورت روزانه در این پایگاه و دیگر صفحات مجازی ندای شیعه قرار داده می شوند حاوی جدیدترین پاسخ ها به شبهات مذهبی و همچنین به روزترین مطالب علمی در عرصه ی پاسخ به شبهات می باشند. این پایگاه همچنین وقایع مهم جهان اسلام را در قالب خبر پوشش می دهد. مطالب مربوط به این پایگاه از طریق صفحات رسمی مجموعه ی ندای شیعه در شبکه های اجتماعی از جمله فیسبوک، توئیتر، اینستاگرام، تلگرام، و ... نشر داده می شوند. مجموعه ی ندای شیعه مفتخر به دریافت رهنمودهای اساتید حوزه و دانشگاه و به ویژه شبکه ی جهانی ولایت میباشد.

ضمناً این مجموعه صرفاً یک مجموعه ی مذهبی مطلق و مستقل میباشد و هیچگونه گرایشی به هیچکدام از طیف های سیاسی داخلی و یا خارج از ایران ندارد. در عین حال مجموعه ی ندای شیعه خود را ملزم به رعایت قوانین کشور عزیز جمهوری اسلامی ایران می داند و همواره وامدار رهنمودهای مراجع عظام تقلید خواهد بود.

اللهم عجل لولیک الفرج

آدرس سایت ندای شیعه :

<http://www.nedayeshia.com/>

«علت تالیف مقاله»

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه مولانا امیرالمومنین علیه السلام
واقعه غدیر خم و به تبع آن حدیث غدیر از مهمترین دلایل روایی اثبات حقانیت
مذهب شیعه در مقابل مخالفین و ولایت امیرالمومنین علیه السلام است. در این
روز بزرگ حضرت خاتم الانبیا (صلی الله علیه و اله و سلم) پس از نزول آیه ابلاغ
در منطقه غدیر خم مامور به ابلاغ ولایت امیرالمومنین (ع) برای همگان شدند
زیرا در این زمان اکثر صحابه (بین ۹۰ تا ۱۲۰ هزار نفر) حضور داشتند و این زمان
بهترین زمان برای ابلاغ پیام ولایت و امامت حضرت امیرالمومنین (ع) بود، پس
از اینکه پیامبر خطبه مشهور غدیر را خوانند و دست مبارکشان را بر دست مولای
متقیان گذاشته و من کنت مولاه فعلی مولاه را بیان کردند خداوند رحمان کامل
شدن دین را به رسول مهربانی ها تبریک گفت

در این برهه زمانی وهابیون فضای مجازی که دست شیعه را پر از ادله و دست
خود را خالی از پاسخ دیدند با تلاشی مذبحخانه ادعا کردند که شیعه حتی یک
روایت صحیح در مورد حدیث غدیر ندارد و به همین خاطر ما در مجموعه مذهبی
ندای شیعه بر آن شدیم تا در این کتابچه تنها گوشه ای از اسناد صحیح این
روایت را به نمایش بگذاریم

«روایت اول قرب الاسناد»

۱۸۶ - حدثنی السندی بن محمد قال: عن صفوان الجمال قال: قال ابو عبد الله عليه السلام: لما نزلت هذه الاية في الولاية، أمر رسول الله صلى الله عليه وآله بالدوحات في غدیر خم فقمین، ثم نودی: الصلاة جامعة، ثم قال أيها الناس، من كنت مولاه فعلى مولاه ألت أولى بكم من أنفسکم؟ قالوا: بلى، قال: من كنت مولاه فعلى مولاه رب وال من والاه، وعاد من عاداه. ثم أمر الناس یبایعون علیا، فبایعه لا یجئ أحد إلا بایعه، لا یتکلم منهم أحد. ثم جاء زفر وحبتر، فقال له: یازفر، بایع علیاً بالولاية. فقال: من الله، أو من رسوله؟ فقال: من الله ومن رسوله؟. ثم جاء حبتر فقال: بایع علیاً بالولاية. فقال: من الله أو من رسوله؟ فقال: من الله ومن رسوله. ثم ثنی عطفه ملتفتاً فقال لزفر: لشد ما یرفع بضیع ابن عمه

قرب الاسناد - ابی العباس عبدالله بن جعفر الحمیری - جلد اول - ص ۵۷ - روایت ۱۸۶ - چاپ
موسسه ال البيت علیهم السلام لاحیا التراث - قم

امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که این آیه درباره ولایت نازل شد، رسول الله (ص) امر فرمودند که در غدیر خم خیمه‌هایی برپا کنند. پس مردم را به نماز جماعت فراخواند. سپس فرمودند: ای مردم، هر کس که من مولای او هستم علی مولای او است. آیا من بر شما از شما به خودتان (بر جانتان) شایسته تر نیستم؟ گفتند: بله. باز فرمودند: هر کس من مولای او هستم علی مولای او است. پروردگارا هر کس که دوستدار او است دوست بدار و هر کس که دشمن او است دشمن بدار، سپس به مردم دستور دادند که با حضرت علی بیعت کنند. و همگان آمدند و با حضرت بیعت کردند، و هیچکس از آنها حرفی نزد (اعتراض نکرد). سپس زفر و حبتر آمدند. رسول خدا (ص) به زفر گفت که با علی برای ولایت بیعت کن. پس او گفت: آیا این دستور خداوند است یا دستور پیامبر او؟ (پیامبر) گفت: از جانب خدا و پیامبرش. سپس حبتر آمد. (پیامبر) به او گفت: با علی برای ولایت بیعت کن. او نیز گفت که آیا دستور خداوند است یا دستور پیامبر او؟ فرمود: از جانب خدا و پیامبرش. سپس برگشت و رو به زفر کرد و گفت: او در اینکه بازوی پسر عمویش را بلند کند از هیچ کاری کوتاهی نمی کند

«بررسی سندی روایت اول»

مولف کتاب و صحت انتساب : عبد الله بن جعفر الحمیری

أبو العباس القمی، شیخ القمیین و وجههم ... و صنف کتبا کثیرة يعرف منها ...
کتاب قرب الإسناد إلى الرضا (ع) کتاب قرب الإسناد إلى أبي جعفر بن الرضا (ع)

رجال نجاشی ص ۲۱۹

عبد الله بن جعفر الحمیری القمی یکنی أبا العباس، ثقة، له كتب، منها: ... و کتاب
قرب الإسناد

الفهرست الشیخ الطوسی - ج ۱ - ص ۱۶۷

راوی اول : السندی بن محمد

واسمه أبان ... كان ثقة، وجهها في أصحابنا الكوفيين

رجال نجاشی ص ۱۸۷

راوی دوم : صفوان بن مهران الجمال

بن المغيرة الاسدی مولاہم ثم مولى بنی کاهل منهم ، کوفی ، ثقة

رجال نجاشی ص ۱۹۸

صفوان بن مهران بن المغيرة الاسدی، مولاہم، ثم مولى بنی کاهل منهم، کوفی،
یکنی ابا محمد الجمال، ثقة.

خلاصه الاقوال حلی ص ۱۷۱

«روایت دوم اصول کافی»

۲- محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن الرجال، عن عبد الصمد بن بشیر، عن حسان الجمال قال: حملت أبا عبد الله (عليه السلام) من المدينة إلى مكة فلما انتهينا إلى مسجد الغدير نظر إلى ميسرة المسجد فقال: ذلك موضع قدم رسول الله (صلى الله عليه وآله) حيث قال: من كنت مولاه فعلى مولاه ثم نظر إلى الجانب الآخر فقال: ذلك موضع فسطاط أبي فلان وفلان وسالم مولى أبي حذيفة وأبي عبيدة الجراح فلما أن رأوه رافعا يديه قال بعضهم لبعض: انظروا إلى عينيه تدور كأنهما عينا مجنون فنزل جبرئيل (عليه السلام) بهذه الآية: " وإن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون إنه لمجنون وما هو إلا ذكر للعالمين ."

الكافي - ثقة الاسلام ابى جعفر محمد بن يعقوب الكليني - ج ۴ - ص ۵۶۶ - مع تعليقات نافعة مأخوذة من عدة شروح صححه وقابله وعلق عليه على أكبر الغفارى - ناشر: دار الكتب الاسلاميه - قم تهذيب الاحكام - شيخ الطائفة محمد بن حسن الطوسى - ج ۳ - ص ۲۶۳ - روایت ۶۶ - المحقق: السيد حسن الموسوى الخرسان - دار الكتب الإسلاميه - قم

حسان جمال گوید: امام صادق (عليه السلام) را از مدینه به مکه می بردم پس هنگامی که به مسجد الغدير رسیدیم، امام صادق (عليه السلام) نگاهى به طرف چپ مسجد انداخت پس فرمود: این جای پای رسول الله (صلى الله عليه وآله) است زمانى که فرمود: «من كنت مولاه فعلى مولاه» آنگاه امام صادق (عليه السلام) به طرف دیگر از مسجد نگاه کرد و فرمود: اینجا محلی است که ابى فلان و فلانى و سالم مولى ابن حذيفه و ابى عبيدة بن جراح، چادر زده بودند. چون دیدند که (پیامبر صلى الله عليه وآله) دست او (امير المؤمنين عليه السلام) را بلند کرده، به یکدیگر گفتند: به چشمان او نگاه کنید، که در حدقه می چرخند، گویى که چشمان مجنونى است. پس جبرئيل عليه السلام این آیه را (از طرف پروردگار) فرود آورد: "وإن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون إنه لمجنون وما هو إلا ذكر للعالمين" ۵۱ قلم

«تصحیح روایت توسط علما شیعه»

۱- علامه حلی رضوان الله تعالى عليه:

وروی الشيخ وابن يعقوب في الصحيح عن حسن الجمال

(منتہی المطلب (ط.ج) - العلامة الحلی - ج ۶ ص ۳۱۷)

۲- علامه مجلسی رضوان الله تعالى عليه در شرح خود بر کافی:

الحديث الثاني : صحيح على الأظهر

(مرآة العقول - علامه مجلسی - ج ۱۸ - ص ۲۸۳)

۳- علامه مجلسی رضوان الله تعالى عليه در شرح خود بر تهذیب:

ج- الحديث السادس و الستون : صحيح.

(ملاذ الاخيار في فهم تهذيب الأخبار - علامه مجلسی - ج ۵ - ص ۴۹۹)

«بررسی سندی روایت»

راوی اول : محمد بن یحیی العطار قمی

شیخ أصحابنا فی زمانه ، ثقه ، عین ، کثیر الحدیث

رجال نجاشی ص ۳۵۳

راوی دوم : محمد بن الحسین بن أبی الخطاب

جلیل من أصحابنا ، عظیم القدر ، کثیر الروایة ، ثقه ، عین ، حسن التصانيف

رجال نجاشی ص ۳۳۴

راوی سوم : عبد الله بن محمد الحجال

ثقه ثقه ، ثبت .

خلاصه الاقوال حلی ۱۹۳

راوی چهارم : عبدالصمد بن بشیر

العبدی ، مولا هم کوفی ، ثقه ثقه

خلاصه الاقوال حلی ص ۲۲۳

راوی پنجم : حسان بن مهران الجمال

أخو صفوان ، روى عن أبی عبد الله وأبى الحسن علیهما السلام ، ثقه ثقه ، أصح من

صفوان وأوجه

رجال نجاشی ص ۱۴۷

«روایت سوم کافی شریف»

٣- علی بن إبراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس وعلی بن محمد، عن سهل ابن زیاد
أبی سعید، عن محمد بن عیسی، عن یونس، عن ابن مسکان، عن أبی بصیر قال سألت أبا
عبد الله علیه السلام عن قول الله عز وجل: " أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر
منكم " فقال: نزلت فی علی بن أبی طالب والحسن والحسین علیهم السلام: فقلت
له: إن الناس یقولون: فما له لم یسم علیا وأهل بیته علیهم السلام فی کتاب الله عز و جل؟
قال: فقال: قولوا لهم: إن رسول الله صلی الله علیه وآله نزلت علیه الصلاة ولم یسم الله لهم
ثلاثا ولا أربعا، حتی كان رسول الله صلی الله علیه وآله هو الذى فسر ذلك لهم، ونزلت علیه
الزكاة ولم یسم لهم من كل أربعین درهما درهم، حتی كان رسول الله صلی الله علیه وآله
هو الذى فسر ذلك لهم، ونزل الحج فلم یقل لهم: طوفوا أسبوعا حتی كان رسول الله صلی
الله علیه وآله هو الذى فسر ذلك لهم، ونزلت " أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولى الأمر
منكم " - ونزلت فی علی والحسن والحسین - فقال رسول الله صلی الله علیه
وآله: فی علی: من كنت مولاه، فعلى مولاه، وقال صلی الله علیه وآله أوصیکم
بکتاب الله وأهل بیتی، فإنی سألت الله عز وجل أن لا یفرق بینهما حتی یوردهما
على الحوض، فأعطانی ذلك وقال: لا تعلموهم فهم أعلم منكم، وقال: إنهم لن
یخرجوكم من باب هدی، ولن یدخلوكم فی باب ضلالة، فلو سکت رسول الله صلی الله
علیه وآله فلم یبین من أهل بیته، لادعاهما آل فلان وآل فلان، لكن الله عز وجل أنزله فی
کتابه تصدیقا لنبيه صلی الله علیه وآله " إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل
البيت ویطهرکم تطهیرا " فكان علی والحسن والحسین وفاطمة علیهم السلام،
فأدخلهم رسول الله صلی الله علیه وآله تحت الکساء فی بیت أم سلمة، ثم قال:
اللهم إن لكل نبی أهلا وثقلا وهؤلاء أهل بیتی وثقلی، فقالت أم سلمة: ألسنت من

أهلك؟ فقال: إنك إلى خير ولكن هؤلاء أهلى وثقلى، فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وآله كان على أولى الناس بالناس لكثرة ما بلغ فيه رسول الله صلى الله عليه وآله وإقامته للناس وأخذه بيده، فلما مضى على لم يكن يستطيع على ولم يكن ليفعل أن يدخل محمد بن على ولا العباس بن على ولا واحدا من ولده إذا لقال الحسن والحسين: إن الله تبارك وتعالى أنزل فينا كما أنزل فيك فأمر بطاعتنا كما أمر بطاعتك وبلغ فينا رسول الله صلى الله عليه وآله كما بلغ فيك وأذهب عنا الرجس كما أذهب عنك، فلما مضى على عليه السلام كان الحسن عليه السلام أولى بها لكبره، فلما توفى لم يستطع أن يدخل ولده ولم يكن ليفعل ذلك والله عز وجل يقول: " وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فى كتاب الله " فيجعلها فى ولده إذا لقال الحسين أمر الله بطاعتى كما أمر بطاعتك و طاعة أبىك وبلغ فى رسول الله صلى الله عليه وآله كما بلغ فىك وفى أبىك وأذهب الله عنى الرجس كما أذهب عنك وعن أبىك، فلما صارت إلى الحسين عليه السلام لم يكن أحد من أهل بيته يستطيع أن يدعى عليه كما كان هو يدعى على أخيه وعلى أبىه، لو أرادا أن يصرفا الأمر عنه ولم يكونا ليفعلا ثم صارت حين أفضت إلى الحسين عليه السلام فجرى تأويل هذه الآية " وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فى كتاب الله " ثم صارت من بعد الحسين لعلى بن الحسين، ثم صارت من بعد على بن الحسين إلى محمد بن على عليه السلام. وقال: الرجس هو الشك، والله لا نشك فى ربنا أبدا.

محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن محمد بن خالد والحسين بن سعيد عن النضر بن سويد، عن يحيى بن عمران الحلبي، عن أيوب بن الحر وعمران بن على الحلبي، عن أبى بصير عن أبى عبد الله عليه السلام مثل ذلك.

اصول من الكافى - ثقه الاسلام ابى جعفر محمد بن يعقوب الكلينى - ج ١ - ص

٢٨٦*٢٨٧*٢٨٨ - مع تعليقات نافعة مأخوذة من عدة شروح صححه وقابله

وعلق عليه على أكبر الغفارى - ناشر: دار الكتب الاسلامية - قم

«ترجمه روایت»

ابو بصیر می گوید: تفسیر این آیه را پرسیدم که می گوید: «خداوند، رسول خدا و صاحب الامر از مؤمنان را اطاعت کنید». امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه در شأن علی و دو فرزندش حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است.

گفتم: مردمان می گویند: از چه جهت نام علی و خاندانش در آیه نیامده؟ امام صادق علیه السلام فرمود: شما در پاسخ آنان بگوئید: دستور نماز خواندن به رسول خدا نازل شد و سخنی از سه رکعت و چهار رکعت آن در میان نیست. این رسول خدا بود که رکعات نماز را تفسیر کرد. دستور پرداخت زکاة نازل شد و نگفت که از چهل درهم یکدرهم. این رسول خدا بود که نصاب زکاة را تفسیر کرد. دستور حج نازل شد و نگفت که هفت نوبت طواف کنید. این رسول خدا بود که مراسم طواف را تفسیر کرد. بر همین پایه، فرمان خدا نازل شد که: «از رسول خدا و آنانی که صاحب الامر باشند اطاعت کنید» و حکم آن در باره علی و حسن و حسین ثابت و پا بر جا ماند.

در رابطه با این دستور قرآن بود که رسول خدا فرمود: «هر مؤمنی که من سرپرست و مولای او هستم، علی مولی و سرپرست او خواهد بود» و فرمود: «به شما مؤمنان سفارش می کنم که از کتاب خدا و خاندان من جدا نشوید که من از خدا درخواست کردم تا میان قرآن و خاندانم جدائی نیفکند تا هنگام قیامت که بر حوض کوثر دست آنان را در دست من گذارد و خدا پذیرفت». و نیز رسول خدا فرمود: «به خاندان من درس ندهید که آنان از شما داناترند». و فرمود: «خاندان من شما را از راه حق بیرون نمی برند و به راه ضلالت نمی کشانند».

اگر رسول خدا لب فرو می بست و خاندان خود را معرفی نمی کرد، خاندان فلان و فلان مدعی می شدند که ما صاحب الامر شمائیم. اما خداوند - بلند مرتبه - برای این که سخن رسول را در معرفی خاندانش تأیید کند، آیه ای نازل کرد و فرمود: «خداوند می خواهد رجس و پلیدی را از شما خاندان رسول بزدايد و شما را پاک و مطهر سازد».

در خاندان رسول خدا، فقط علی بود با حسن و حسین و فاطمه که خطاب «عَنْكُمْ وَيُطَهَّرْكُمْ» در باره آنان صادق بود، و لذا رسول خدا این دسته خاص از اهل بیت را در خانه ام سلمه زیر سایه عبا گرد آورد و فرمود: «بار خدایا! هر پیامبری، خاندانی دارد و چشم و چراغی که از خود بجا می گذارد، اینان خاندان من و چشم و چراغ من می باشند». ام سلمه همسر رسول خدا گفت: «مگر من از خاندان تو نیستم؟» رسول خدا فرمود: «تو به سوی نیکی روانی. اما خاندان من و چشم و چراغ من همین چهار تن می باشند».

از این رو موقعی که رسول خدا بدرود حیات گفت؛ علی از همه کس به سرپرستی حقوق مردم سزاوارتر بود که رسول خدا در باره او سفارش فراوان کرد و دست او را گرفت و در برابر مردم برافراشت. و از این رو بود که چون علی بدرود حیات می گفت، نمی توانست و نه حاضر بود که فرزندش محمد یا عباس یا یکتن دیگر از پسرانش را در زمره خاندان رسول خدا وارد کند، و اگر چنین می کرد، دو فرزندش حسن و حسین می گفتند: خداوند تبارک و تعالی فرمان ولایت را در باره ما و تو یکسان نازل کرد، رسول خدا نیز در باره ما و تو یکسان تبلیغ و سفارش کرد، رجس و پلیدی از ما و تو یکسان زدوده شد (چرا دیگران را در همدریف ما قرار می دهی)؟ از این رو موقعی که علی بدرود حیات گفت، حسن به امامت و صاحب الامری سزاوارتر بود، زیرا از حسن بزرگتر بود.

و نیز از این جهت بود که چون حسن بدرود حیات می گفت؛ نمی توانست و نه حاضر بود که فرزندان خود را در امامت و صاحب الامری شریک کند و یا بدین جهت که خداوند عز و جل می گوید: «در منشور الهی است که برخی از خویشان رسول خدا سزاوارتر و مقدم بر دیگران می باشند» نمی توانست حق صاحب الامری خود را در فرزندان خود برقرار کند و گر نه حسین می گفت: خداوند به طاعت من فرمان داد چونان که به طاعت تو و طاعت پدرت فرمان داد. رسول خدا در باره من تبلیغ کرد چونان که در باره تو و پدرت تبلیغ کرد.

و نیز خداوند، رجس و پلیدی را از من زدود چونان که از تو و از پدرت زدود (چرا دیگران را در ردیف ما قرار می دهی)؟ و چون امامت و صاحب الامری به حسین رسید، هیچ کس از خاندان رسول خدا نمی توانست بر او اقامه دعوی کند، آنسان که حسین می توانست بر حسن برادرش و بر علی پدرش اقامه دعوی کند. بعد از آن که امامت و صاحب الامری به حسین رسید، نص خصوصی پایان گرفت و تأویل این آیه مصداق گرفت که گوید: «در منشور الهی، برخی از خویشان رسول خدا سزاوارتر به برخی دیگر اند» (حتی از مهاجرین و یا سایر مؤمنان). بعد از حسین امامت به علی بن الحسین رسید (که تنها بازمانده او بود) و بعد از علی بن الحسین به محمد بن علی رسید (که از فرزندان دیگرش بزرگتر بود).

امام صادق علیه السلام فرمود: رجس و پلیدی زائیده شک و بی اعتقادی است. به خدا سوگند که ما در باره پروردگار خود هرگز شک نمی کنیم.

«تصحیح روایت توسط علما شیعه»

۱- تصحیح علامه مجلسی در شرح خود بر کافی :

الحديث الأول : صحيح بسنديه

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول - العلامة المجلسي - ج ۳ ص ۲۱۳ ط دار الكتب الإسلامية

۲- تصحیح آیت الله العظمی جواد تبریزی:

الصحيحة الأولى رواها الشيخ الكليني (رحمه الله) عن علي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس ، وعلى بن محمد بن سهل بن زياد أبي سعيد عن محمد بن عيسى عن يونس ، عن ابن مسكان عن أبي بصير قال : سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن قوله عز وجل ...

الأنوار الإلهية في المسائل العقائدية - ص ۱۱

۳- تصحیح دیگر آیت الله العظمی جواد تبریزی:

الصحيحة الأولى رواها الشيخ الكليني رحمه الله عن علي ابن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس ، وعلى بن محمد بن سهل بن زياد أبي سعيد عن محمد بن عيسى عن يونس ، عن ابن مسكان عن أبي بصير قال : سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قوله الله عز وجل

رسالة مختصرة في النصوص الصحيحة على إمامة الأئمة الأثنى عشر (ع) ص ۱۲

۴- تصحیح علامه سيد جعفر مرتضى:

والحديث الصحيح الذي نتحدث عنه ، يقول : قيل للإمام الصادق « عليه السلام » ، إن الناس يقولون : فما له لم يسمّ علياً وأهل بيته

الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص) - السيد جعفر مرتضى العاملی - ج ۳۲ ص ۲۲ ط دار الحديث

للطباعة والنشر - قم - ايران

«بررسی سندی روایت»

سند اول

راوی اول : علی بن ابراهیم

بن هاشم أبو الحسن القمی ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب

رجال نجاشی ص ۲۶۰

راوی دوم : محمد بن عیسی بن عبید

در مورد این راوی اقوال فراوان است نجاشی او را توثیق کرده است اما شیخ طوسی او را در رجال خود تضعیف کرده و این ضعف را به استناد قول قمیین میداند

توثیق نجاشی:

جلیل فی (من) أصحابنا، ثقه عین ، کثیر الروایة، حسن التصانیف.

رجال نجاشی ص ۳۳۳

تضعیف شیخ طوسی :

محمد بن عیسی بن عبید الیقطنینی، یونسی، ضعیف علی قول القمیین.

رجال طوسی ص ۳۹۱

اما حضرت ایت الله خویی در معجم رجال پاسخ این تضعیف شیخ طوسی را

میدهد

دلیل تضعیف محمد بن عیسی توسط شیخ، همانگونه که در فهرست نیز تصریح کرده، استثناء شیخ صدوق و استادش ابن ولید (از رجال نوادر الحکمه) است. آنچه که از کلام

آنها ظاهر می شود این است که شیخ صدوق و ابن ولید در خود محمد بن عیسی مناقشه نکرده اند؛ بلکه در دو قسم از روایاتش مناقشه کرده اند: آنها در روایات او که صاحب نوادر الحکمه با سند منقطع از ایشان روایت کرده مناقشه نموده اند. ... اما در غیر این روایت ابن ولید و شیخ صدوق این گونه نبوده اند عمل به روایت او را ترک کرده باشند.

آنچه برای من کشف می شود این است که شیخ صدوق رحمه الله علیه در این استثناء از استادش ابن ولید پیروی کرده؛ از این جهت در من لا یحضره الفقیه حتی یک روایت از محمد بن عیسی از یونس روایت نکرده بلکه در مشیخه همان کتاب سی و چند مورد از محمد بن عیسی از غیر طریق یونس روایت آورده است. و این قوی ترین شاهد است بر این که استثناء مبتنی بر تضعیف محمد بن عیسی بن عبید نیست؛ بلکه این استثناء به خاطر روایت او از یونس است. و این وجه مبنی بر اجتهاد ابن ولید و رأی او است که دلیل آن برای ما روشن نیست.

خلاصه این که ابن ولید و شیخ صدوق خود محمد بن عیسی را تضعیف نکرده و در خود او مناقشه ای ندارند. همانا خود ابن ولید از طریق صفار از محمد بن عیسی بن عبید از غیر یونس روایت نقل کرده است. و در طریق شیخ صدوق محمد بن عبید قرار دارد ولی ایشان آن روایتی را که محمد بن عیسی از طریق یونس را به طریق منقطع روایت نمی کند یا آن روایتی را که به تنهایی یونس در آن قرار دارد. شیخ از خصوصیت کلام ابن ولید غافل شده است و گمان کرده که ابن ولید روایت محمد بن عیسی را از طریق یونس با سند منقطع و یا منفرد، ترک کرده، به خاطر ضعف محمد بن عیسی است و به تبع او او را تضعیف کرده است؛ در حالی که امر این گونه نیست بلکه توهم و گمان است. و استثناء کار اجتهادی و رأی ابن ولید است. و شیخ صدوق نیز تصریح کرده است که من استادم متابعت می کنم از این جهت از طریق راوی که شیخش آن را ترک کرده روایت نمی کند.

خلاصه این که ابن ولید و شیخ صدوق محمد بن عیسی را تضعیف نکرده اند. و تضعیف شدن محمد بن عیسی توسط شیخ اساس درستی ندارد و از این جهت معارض با توثیق نجاشی نیست.

امر دوم این که شیخ تضعیفش را مستند به غلو محمد بن عیسی کرده و سخن خود را در مورد غلوی او به یک گوینده ناشناس نسبت داده است. و ظاهراً این سخن خلاف واقع است؛ چرا که ابن نوح محمد بن عیسی را عادل و ثقه می داند و سخن نجاشی و غیر او را در مورد محمد بن عیسی شناختید.

سید ابوالقاسم خویی - معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة - ج ۱۸ - ص ۱۲۱ -
۱۲۳

علامه حلی هم در خلاصه الاقوال بعد از آوردن تمام اقوال روایات محمد بن عیسی را قبول میکند

و الاقوی عندی قبول روایت

خلاصه الاقوال ص ۲۴۲

راوی سوم: یونس بن عبد الرحمن

کان وجه اصحابنا متقدما عظیم المنزله

رجال النجاشی ص ۴۴۶

یونس بن عبد الرحمن، مولی علی بن یقطین، ضعفه القمیون و هو ثقه

رجال الطوسی ص ۳۴۶

راوی چهارم : عبد الله بن مسكان

أبو محمد مولى [عنزة]، ثقه ، عين ، روى عن أبى الحسن موسى عليه السلام

رجال نجاشى ص ۴۴۱

عبد الله بن مسكان ثقه. له كتاب

فهرست شيخ طوسى ص ۱۶۸

راوى پنجم : ابو بصير اسدى

يحيى بن القاسم أبو بصير الأسدی، وقيل: أبو محمد ثقه ، وجیه

رجال نجاشى ص ۴۴۱

این سند روایت صحیح است

با صرف نظر از سند دوم به علت وجود سهل بن زیاد که اقوال در مورد ان

گوناگون و اصطلاحاً مختلف فیه میباشد به سراغ چهار سند بعد میرویم

ابتدا به ترتیب چهار سند را مینویسیم و به علت تکراری بودن بعضی از روایات در

چهار طریق راویان تکرار نشده را در هر طبقه جداگانه ذکر می کنیم

سند سوم : محمد بن یحیی ، احمد بن محمد بن عیسی ، محمد بن خالد البرقی ، النضر

بن سوید ، یحیی بن عمران الحلبي ، ایوب بن حر ، ابی بصیر

سند چهارم : محمد بن یحیی ، احمد بن محمد بن عیسی ، حسین بن سعید ، النضر بن

سوید ، یحیی بن عمران الحلبي ، ایوب بن حر ، ابی بصیر

سند پنجم : محمد بن یحیی ، احمد بن محمد بن عیسی ، محمد بن خالد البرقی ، النضر بن سوید ، یحیی بن عمران الحلبي ، عمران بن علی الحلبي ، ابی بصیر

سند ششم : محمد بن یحیی ، احمد بن محمد بن عیسی ، حسین بن سعید ، النضر بن سوید ، یحیی بن عمران الحلبي ، عمران بن علی الحلبي ، ابی بصیر

چهار سند را با هم بررسی کرده و در طبقات غیر مشترک روات را با هم میاوریم

راوی اول: محمد بن یحیی العطار قمی

أبو جعفر العطار القمی ، شیخ أصحابنا فی زمانه ، ثقة ، عین ، کثیر الحدیث.

رجال نجاشی ص ۳۵۳ خلاصه الاقوال حلی ص ۲۶۰

راوی دوم : احمد بن محمد بن عیسی الاشعری

وأبو جعفر رحمه الله شیخ القمیین ، ووجههم ، وفقیهم

رجال نجاشی ص ۸۲

۳- در این طبقه دو راوی وجود دارد

راوی سوم (۱) : حسین بن سعید الاهوازی

مولی علی بن الحسین علیهما السلام، صاحب المصنفات، الأهوازی، ثقه

رجال شیخ طوسی ص ۳۵۵

، مولی علی بن الحسین (علیهما السلام)، ثقه ، عین ، جلیل القدر.

خلاصه الاقوال حلی ص ۱۱۴

راوی سوم (۲) : محمد بن خالد البرقی

محمد بن خالد البرقی، ثقة، هؤلاء من أصحاب أبي الحسن موسى عليه السلام

رجال طوسی ص ۳۶۳

این راوی را نجاشی برخلاف شیخ طوسی ضعیف گفته است اما علامه حلی با استناد به قول شیخ طوسی و تحقیقات خود او را ثقة دانسته و به قول ان اعتماد دارد

محمد بن خالد بن عبد الرحمان بن محمد بن علی البرقی، أبو عبد الله، مولی ابی موسی الاشعری، من اصحاب الرضا (علیه السلام)، ثقة ... وقال النجاشی: انه ضعیف الحدیث. والاعتماد عندی علی قول الشیخ ابی جعفر الطوسی رضی الله عنه من تعدیله

خلاصه الاقوال حلی ص ۲۳۷

راوی چهارم : نصر بن سويد الصيرفي

النصر بن سويد، له كتاب، و هو ثقة.

رجال شیخ طوسی ص ۳۴۵

من أصحاب الكاظم (عليه السلام)، ثقة كوفي، صحيح الحديث

خلاصه الاقوال حلی ص ۲۸۳

راوی پنجم : يحيى بن عمران بن علي الحلبي

، ثقة ثقة ، صحيح الحديث

رجال نجاشی ص ۴۴۴ و خلاصه الاقوال حلی ص ۲۴۹

۶- در این طبقه دو راوی وجود دارد

راوی ششم (۱) : عمران بن علی الحلبي

عمران بن علی حلبي نیز از بزرگان رجال شيعه است. نجاشی ایشان را در ترجمه احمد بن عمر بن ابی شعبه حلبي که پسر عموی عمران بن علی حلبي است، توثيق کرده است:

أحمد بن عمر بن أبی شعبه الحلبي ثقة ، روی عن أبی الحسن الرضا عليه السلام وعن أبیه من قبل ، وهو ابن عم عبید الله و عبدالاعلی و عمران و محمد الحلبيین ، روی أبوهم عن أبی عبد الله عليه السلام ، وكانوا ثقات.

احمد بن عمران بن ابی شعبه حلبي ثقه است. او از امام هشتم عليه السلام روایت نقل کرده است. او پسر عموی عبید الله ، عبد الاعلی و عمران و محمد حلبي است که پدرشان از امام صادق عليه السلام روایت نقل کرده است. و آنها همه موثق بوده اند.

رجال النجاشی ص ۹۸

توثيق عمران بن علی حلبي در ضمن توثيق برادرش عبید الله بن علی است که نجاشی همه آل ابی شعبه را موثق می داند:

عبید الله بن علی بن أبی شعبه الحلبي ... و آل أبی شعبه بالكوفه بيت مذکور من أصحابنا ، وروی جدهم أبو شعبه عن الحسن والحسين عليهما السلام ، وكانوا جميعهم ثقات مرجوعا إلى ما يقولون.

عبید الله بن علی بن ابی شعبه حلبی و آل ابی شعبه در کوفه از شیعیان است
و جد آنان ابو شعبه از امام حسن و امام حسین علیهما السلام روایت کرده است.
و همه آنان ثقه بودند و مرجع مردم بودند در آنچه می گفتند.

رجال النجاشی ص ۲۳۱

راوی ششم (۲) : ایوب بن حر الجعفی

مولی ، ثقه ، روی عن ابی عبد الله علیه السلام ذکره أصحابنا فی الرجال

رجال نجاشی ص ۱۰۳

ایوب بن الحر - بالراء بعد الحاء المهملة - الجعفی، مولی ثقه، روی عن ابی عبد الله
(علیه السلام)

خلاصه الاقوال حلی ص ۵۹

راوی هفتم: ابو بصیر اسدی

یحیی بن القاسم أبو بصیر الأسدی، وقیل: أبو محمد ثقه ، وجیه

رجال نجاشی ص ۴۴۱

طبق بررسی بالا چهار سند دیگر این روایت هم مانند سند اول کاملا صحیح است
پس این روایت به تنهایی شش سند دارد که پنج سند ان کاملا صحیح و سند
دیگر ان به علت وجود سهل بن زیاد ادمی حد اقل حسن میباشد

«روایت چهارم خصال»

۴- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَيَعْقُوبَ بْنَ يَزِيدَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ عَنْ أَبِي الطَّفَيْلِ غَامِرِ بْنِ وَاثِلَةَ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ قَالَ: لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ حِجَّةِ الْوَدَاعِ وَنَحْنُ مَعَهُ أَقْبَلَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْجُحْفَةِ فَأَمَرَ أَصْحَابَهُ بِالنُّزُولِ فَنَزَلَ الْقَوْمُ مَنَازِلَهُمْ ثُمَّ نُودِيَ بِالصَّلَاةِ فَصَلَّى بِأَصْحَابِهِ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَهُمْ: إِنَّهُ قَدْ نَبَأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنِّي مَيِّتٌ وَأَنْتُمْ مَيِّتُونَ وَكَأَنِّي قَدْ دُعِيتُ فَأَجِبْتُ وَأَنْتِي مَسْئُولٌ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ لِرَبِّكُمْ قَالُوا نَقُولُ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَجَاهَدْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ. ثُمَّ قَالَ لَهُمْ أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبَعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ فَقَالُوا نَشْهَدُ بِذَلِكَ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ أَلَا وَإِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَأَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَهَلْ تُقِرُّونَ لِي بِذَلِكَ وَتَشْهَدُونَ لِي بِهِ؟ فَقَالُوا نَعَمْ نَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ. فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ وَهُوَ هَذَا ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَرَفَعَهَا مَعَ يَدِهِ حَتَّى بَدَتْ أَبَاطُهُمَا. ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ أَلَا وَإِنِّي فَرَطُكُمْ وَأَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ حَوْضِي غَدًا وَهُوَ حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بَصْرَى وَصَنْعَاءَ فِيهِ أَفْدَاحٌ مِنْ فِضَّةٍ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ أَلَا وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ غَدًا مَاذَا صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدْتُ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا إِذَا وَرَدْتُمْ عَلَيَّ حَوْضِي وَمَاذَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلَفْتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقَوْنِي. قَالُوا: وَمَا هَذَانِ الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَمَّا الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَبَبٌ مَمْدُودٌ مِنَ اللَّهِ وَمَنِي فِي أَيْدِيكُمْ طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَالطَّرْفُ الْأَخْرَبُ بِأَيْدِيكُمْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَمَا بَقِيَ إِلَى

أَنْ تَقُومَ السَّاعَةَ وَأَمَّا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ حَلِيفُ الْقُرْآنِ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَعِترته عليهم السلام وإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.

قَالَ مَعْرُوفُ بْنُ خَرْبُودَ : فَعَرَضْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ :
صَدَقَ أَبُو الطَّفَيْلِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا الْكَلَامُ وَجَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَعَرَفْنَاهُ.

وَحَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ .
وَحَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ
عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ .

وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
السَّعْدِ أَبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ عَنْ أَبِي الطَّفَيْلِ عَامِرِ بْنِ وَاثِلَةَ عَنْ حَذِيفَةَ بْنِ أَسِيدِ
الْغِفَارِيِّ بِمِثْلِ هَذَا الْحَدِيثِ سَوَاءً.

الخصال - الشيخ الصدوق - ص ٦٦

ترجمه روایت چهارم:

ابو الطفیل از حذیفه بن اسید غفاری نقل می کند که چون پیامبر خدا صلی الله علیه واله از حجه الوداع بازگشت و ما در خدمت او بودیم، آمد تا به جحفه رسید، پس به اصحاب فرمان داد که فرود آیند، آنها فرود آمدند، آنگاه ندای نماز داده شد و با اصحاب خود دو رکعت نماز خواند.

سپس صورت خود را به سوی آنان کرد و به آنان فرمود: همانا خداوند لطیف خبیر به من خبر داده که من می میرم و شما هم می میرید و گویا که من دعوت شده ام و آن دعوت را اجابت کرده ام و من در برابر آن چیزی که با آن به سوی شما فرستاده شده ام مسئول هستم و نیز از آنچه میان شما باقی می گذارم؛ یعنی کتاب خدا و حجت او، و شما نیز مسئول هستید. شما به پروردگارتان چه خواهید گفت؟ گفتند: می گوییم: تو پیام را رسانیدی و نصیحت کردی و مجاهدت نمودی، پس خداوند از سوی ما به تو بهترین پاداش بدهد.

آنگاه پیامبر خدا (ص) به آنان فرمود: آیا شما گواهی نمی دهید که خدایی جز خدای یگانه نیست و اینکه من فرستاده خدا به سوی شما هستم و اینکه بهشت حق است و اینکه آتش جهنم حق است و اینکه زنده شدن پس از مرگ حق است؟ گفتند: به همه اینها گواهی می دهیم.

پیامبر گفت: خدایا به آنچه می گویند: شاهد باش. آگاه باشید که من شما را گواه می گیرم که من شهادت می دهم که خداوند مولای من است و من مولای هر مسلمانی هستم و من به مؤمنان از خودشان اولی تر هستم، آیا شما به آن اقرار می کنید و به آن گواهی می دهید؟ گفتند: آری، ما در باره تو، به آن شهادت می دهیم. پس فرمود: آگاه باشید که هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست و او این شخص است، سپس دست علی را گرفت و آن را با دست خود بالا برد تا اینکه زیر بغل هر دو آشکار شد. سپس گفت: خداوندا دوست بدار هر کس را که او را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس را که او را دشمن بدارد و یاری کن به هر کس که او را یاری کند و خوار کن هر کس را که او را خوار سازد.

آگاه باشید که من پیش‌تاز شما (در مرگ) هستم و شما در حوض (کوثر) بر من وارد خواهید شد، حوض من، فردا وسعتی چون وسعت میان بصری و صنعا خواهد داشت، در آن پیاله‌هایی از نقره به تعداد ستارگان آسمان است، آگاه باشید، فردا که وارد حوض من شدید از شما خواهم پرسید در باره آنچه از شما به آن، چنین روزی گواهی گرفتم که چه رفتاری کردید و بعد از من با «ثقلین دو چیز گرانبها» چه کردید؟ وقتی با من ملاقات نمودید، به من نظر بدهید که چگونه پس از من با آنها رفتار کردید؟

گفتند: یا رسول الله این دو چیز گرانبها چیست؟ فرمود: چیز گرانبهای بزرگتر کتاب خداوند است که واسطه‌ای است کشیده شده از خدا و من در دستان شما، که یک طرف آن در دست خدا و طرف دیگرش در دست شماست، دانش گذشته و آینده تا روز قیامت در آن است، و اما چیز گرانبهای کوچک که ملازم قرآن است، آن علی بن ابی طالب و عترت او هستند و این دو امانت از هم جدا نشوند تا وقتی که در حوض (کوثر) بر من وارد شوند.

معروف بن خربوذ می‌گوید: این سخن را بر امام باقر (ع) عرضه کردم، فرمود: أبو الطفیل راست گفته، خدا رحمتش کند و ما آن را در کتاب علی (ع) چنین یافتیم و شناختیم

این روایت در کتاب خصال شیخ صدوق دارای پنج سند که در ادامه به بررسی سند آن می‌پردازیم

«بررسی سندی روایت»

در دو سند اول ، روات به جز در راوی سوم مشترک هستند برای همین دو طریق را مانند روایت قبل با هم بررسی میکنیم

سند اول : محمد بن الحسن بن احمد بن الولید ، محمد بن الحسن الصفار ، محمد بن الحسين بن ابی الخطاب ، محمد بن ابی عمیر ، عبدالله بن سنان ، معروف بن خربوذ ، عامر بن واثله الکنانی ، حذیفه بن اسید الغفاری

سند دوم : محمد بن الحسن بن احمد بن الولید ، محمد بن الحسن الصفار ، یعقوب بن یزید ، محمد بن ابی عمیر ، عبدالله بن سنان ، معروف بن خربوذ ، عامر بن واثله الکنانی ، حذیفه بن اسید الغفاری

راوی اول: محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید

أبو جعفر شیخ القمیین ، وفقیہم ، ومتقدمہم ، ووجهہم ثقہ ثقہ ، عین

رجال نجاشی ص ۳۸۳

راوی دوم: محمد بن حسن بن فروخ

كان وجهها فی أصحابنا القمیین ، ثقہ ، عظیم القدر ، راجحا

رجال نجاشی ص ۳۵۴

۳- در این طبقه دو راوی وجود دارد

راوی سوم (۱) : محمد بن الحسن بن ابی الخطاب

جلیل من أصحابنا ، عظیم القدر ، کثیر الروایة ، ثقہ ، عین ، حسن التصانیف

رجال نجاشی ص ۳۳۴

راوی سوم (۲): یعقوب بن یزید

الانباری السلمی ... روی عن أبي جعفر الثاني عليه السلام ... وكان ثقة صدوقا

رجال نجاشی ۴۵۰

كثير الرواية، ثقة.

الفهرست، ص ۱۸۰، شماره ۷۸۳.

یعقوب بن یزید الکاتب هو ویزید أبوه، ثقتان.

رجال الطوسی، ص ۳۹۵، شماره ۱۲.

راوی چهارم: محمد بن ابی عمیر

ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع است یعنی طبق قواعد رجالی اگر سند توسط ثقات به ابی ابی عمیر برسد دیگر روات بین او و امام معصوم بررسی نیاز ندارند

جليل القدر عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين

رجال نجاشی ۳۲۶

وكان من أوثق الناس عند الخاصّة والعامّة وأنسكهم نسكا وأورعهم وأعبدهم....

الفهرست: ص ۱۴۲، شماره ۶۰۷.

محمد بن ابی عمیر : ثقة.

رجال الطوسی، ص ۳۸۸، شماره ۲۶.

راوی پنجم : عبد الله بن سنان

بن طریف مولی بنی هاشم ، یقال مولی بنی ابی طالب کوفی ، ثقة ، من أصحابنا ،
جلیل

رجال نجاشی ۲۱۴

راوی ششم : معروف بن خربوذ

معروف بن خربوذ هم مانند ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع است یعنی طبق قواعد
رجالی اگر سند توسط ثقات به آنها برسد دیگر روات بینشان و امام معصوم
بررسی نیاز ندارند

قال الكشي: اجمعت العصابة على تصديق هؤلاء الاولين من اصحاب أبي جعفر
عليه السلام وأبي عبد الله عليه السلام وانقادوا لهم بالفقه، فقالوا: أفقه الاولين
ستة: زرارة، ومعروف بن خربوذ، وبريد، وأبو بصير الاسدي، والفضيل بن يسار،
ومحمد بن مسلم الطائفي

اختیار معرفه الرجال کشی ، ج ۲ ، ص ۵۰۷

معروف بن خربوذ القرشی بالولاء، المکی. من كبار علماء وفقهاء ومحدثي الامامية
الثقات الممدوحين

اصحاب الامام الصادق للشبستری ص ۲۷۰

راوی هفتم : عامر بن واثله ابی طفیل

شیخ طوسی او را در زمره یاران رسول خدا ص و در زمره یاران امیرمؤمنان ع آورده و سپس گفته:

أدرک ثمانی سنین من حیاة النبی صلی الله علیه و آله وسلم ولد عام أحد.

رجال الطوسی ، ص ۴۷ ، شماره ۸ .

مرحوم برقی در کتاب رجال خود او را از خواص اصحاب امیرمؤمنان و امام سجاد علیهما السلام شمرده است .

رجال البرقی، ص ۴ و ص ۸ .

همچنین علامه حلی عامر را جزو روایتی که میتوان به انها اعتماد کرد آورده و او را از اولیا اصحاب امیرالمومنین میدانند

خلاصه الاقوال ص ۳۰۷

برای اثبات وثاقت عامر بن واثله همین بس که در آخر روایت معروف بن خربوذ می گوید:

من این روایت را بر امام باقر علیه السلام عرضه کرده و آن حضرت فرمود:

أبو الطفیل راست گفته، خدا رحمتش کند و ما آن را در کتاب علی (ع) چنین یافتیم و شناختیم.

قَالَ مَعْرُوفُ بْنُ خَرْبُوذَ : فَعَرَضْتُ هَذَا الْكَلَامَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَالَ : صَدَقَ أَبُو الطُّفَيْلِ رَحِمَهُ اللَّهُ هَذَا الْكَلَامُ وَجَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ع وَ عَرَفْنَاهُ .

همچنین آیت الله وحید بهبهانی به سبب همین شهادت امام باقر علیه السلام کیسانی بودن ابوظفیل را تهمتی به او میداند به سبب اینکه او زیر پرچم مختار خروج کرده است در این سخن امام باقر ع شهادت در حسن حال او (ابوظفیل) و بازگشتش از عقیده ی کیسانیه بر فرض صحت کیسانی بودن او. و شاید دلیلی که او را کیسانی خواندند خروجش زیر پرچم مختار باشد.

وفی هذا شهادة علی حسن حاله ورجوعه علی فرض صحّة کیسانیته. ولعلّ رمیه بالکیسانیّه بسبب خروجه تحت رایة المختار

تعلیقہ الوحید البهبهانی ص ۱۸۶

راوی هشتم : حذیفه بن اسید الغفاری

این راوی در کتب شیعه به عنوان صحابه رسول الله ص و امام حسن مجتبی ع نام برده شده است

* (حذیفه) * بن اسید الغفاری ابوسرعة صاحب النبی (صلی الله علیه وآله) وهو ابن امیة

رجال طوسی ص ۱۶

حذیفه بن أسید:

الغفاری: أبو سرعة، صاحب النبی ص، وهو ابن أمیة آمنه، من أصحاب رسول الله ص، رجال الشيخ (۶)، وذكره فی أصحاب الحسن ع (۲). وذكره البرقی، فی أصحاب الحسن ع. وقد عد من حواری الحسن المجتبی ع فی رواية أسباط بن سالم المتقدمة فی أويس القرنی.

معجم رجال الحديث - ج ۵ - ص ۲۲۲

«بررسی سند سوم و چهارم روایت»

در این دو سند سه راوی اول با هم تفاوت دارند و از ابن ابی عمیر به بعد روات با اسناد بالا مشترک هستند

سند سوم : علی بن الحسین بابویه ، علی بن ابراهیم ، ابراهیم بن هاشم ، ابن ابی عمیر ، ...

راوی اول : علی بن الحسین بن موسی

بن بابویه القمی أبو الحسن ، شیخ القمیین فی عصره ، ومتقدمهم ، وفقیهمهم ، وثقتهم.

رجال نجاشی ص ۲۶۱

راوی دوم : علی بن ابراهیم قمی

ثقه فی الحدیث ، ثبت ، معتمد ، صحیح المذهب.

رجال نجاشی ص ۲۶۰

راوی سوم : ابراهیم بن هاشم قمی

لا ینبغی الشک فی وثاقه ابراهیم بن هاشم ویدل علی ذلك عدة أمور: الاول: أنه روى عنه ابنه علی فی تفسیره كثيرا وقد التزم فی أول كتابه بأن ما يذكره فيه قد انتهى إليه بواسطة الثقات. الثاني: أن السيد ابن طاووس ادعى الاتفاق علی وثاقته. الثالث: أنه أول من نشر حدیث الكوفیین بقم والقمیون قد اعتمدوا علی رواياته وفيهم من هو مستصعب فی أمر الحدیث فلو كان فيه شائبة الغمز لم يكن يتسالم علی أخذ الرواية عنه وقبول قوله.

هیچ تردیدی در وثاقت ابراهیم بن هاشم وجود ندارد به دلیل آنکه: اولاً: فرزند او (علی بن ابراهیم) در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند. ثانیاً: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی است. ثالثاً: او اولین نفری بوده که احادیث اهل بیت علیهم السلام را در قم آورده و قمی‌ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی‌ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی دانستند، این چنین احادیث او در میان آنان مورد قبول نبود.

معجم رجال الحدیث - ج ۱ - ص ۲۹۱

سند چهارم: جعفر بن محمد قولویه، حسین بن محمد بن عامر، عبدالله بن عامر، ابن ابی عمیر، ...

راوی اول: جعفر بن محمد بن جعفر

بن موسی بن قولویه أبو القاسم وکان أبوه یلقب مسلمةً من خیار أصحاب سعد، وکان أبو القاسم من ثقات أصحابنا وأجلاتهم فی الحدیث والفقہ

رجال نجاشی ص ۱۲۳

راوی دوم: حسین بن محمد الاشعری

بن عمران الاشعری القمی، أبو عبد الله ثقة

رجال نجاشی ص ۶۶

ایت الله خویی در معجم رجال حسین بن محمد بن عمران بن ابی بکر و حسین بن محمد بن عمران الأشعری و حسین بن محمد بن عامر الأشعری را شخصی واحد معرفی میکند و در ذیل ترجمه حسین بن محمد بن عمران انرا ثقه میداند

الحسین الأشعری .الحسین بن محمد بن عامر .قال النجاشی:الحسین بن محمد بن عمران بن أبی بکر الأشعری القمی، أبو عبد الله، ثقة، له كتاب النوادر .أخبرنا محمد بن محمد، عن أبی غالب الزراری، عن محمد بن یعقوب عنه .«أقول: قد تقدم أنه الحسین بن محمد بن عامر.

معجم رجال الحديث - ج ۷ - ۸۶ - ذیل ترجمه شماره ۳۶۲۹ . ۳۶۳۰

ایت الله خویی در ذیل ترجمه حسین بن محمد الأشعری انرا ثقه و با حسین بن احمد الأشعری در کتاب خلاصه الاحوال علامه حلی مشترک میداند

الحسین بن محمد بن عمران الأشعری .القمی، أبو عبد الله، ثقة. ذكره العلامة في القسم الأول من الخلاصة (۲۴) من الباب (۱) من فصل الحاء. والظاهر أنه الحسين بن محمد بن عمران الأشعری الآتی الذی وثقه النجاشی، بقرینه أنه لو كان الحسين بن أحمد الأشعری لتعرض العلامة للحسين بن محمد بن عمران أيضا، مع أنه لم يتعرض له.

معجم رجال الحديث - ج ۶ - ۱۸۸

راوی سوم : عبد الله بن عامر

بن عمران بن أبی عمر الأشعری أبو محمد شیخ من وجوه أصحابنا ، ثقة

رجال نجاشی ص ۲۱۸

«بررسی سندی حدیث چهارم : سند پنجم»

سند پنجم روایت : محمد بن موسی بن المتوکل ، علی بن حسین السعدآبادی ، احمد بن ابی عبدالله البرقی ، ابی عبدالله البرقی ، ابن ابی عمیر ، ...

راوی اول : محمد بن موسی بن المتوکل

محمد بن موسی بن المتوکل، ثقة.

خلاصه الاقوال ص ۲۵۱

ادعی ابن طاووس فی فلاح السائل عند ذکر الروایة عن الصادق علیه السلام "أنه ما أحب الله من عصاه" الاتفاق علی وثاقته فالنتیجة أن الرجل التوقف فی وثاقته.

سید بن طاووس در کتاب فلاح السائل آنگاه که روایت امام صادق علیه السلام "أنه ما أحب الله من عصاه" را آورد، ادعای اتفاق بر وثاقت مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ، نموده است. بنا بر این شایسته نیست در وثاقت او توقف کنیم.

معجم رجال الحدیث ج ۱۸، ص ۳۰۰

راوی دوم : علی بن الحسین بن الحسین سعدآبادی

ایت الله خوبی پس از بیان طریقی ذیل ترجمه حضرت عبدالعظیم حسنی طریقی که شیخ صدوق از ان اخذ روایت کرده است را بیان میکند و علی بن الحسین را ثقه میداند

وإن كان فيه علی بن الحسین السعدآبادی، لأنه ثقة علی الأظهر

معجم رجال الحدیث - ج ۱۱ - ص ۵۴

راوی سوم : احمد بن محمد بن خالد البرقی

بن عبد الرحمن بن محمد بن علی البرقی أبو جعفر أصله کوفی ... وكان ثقةً فی نفسه

رجال نجاشی ص ۷۶

احمد بن محمد بن خالد بن عبد الرحمان بن محمد بن علی البرقی، منسوب الی برقه قم، أبو جعفر، کوفی، ثقة

خلاصه الاقوال ص ۶۳

راوی چهارم : محمد بن خالد البرقی

در مورد محمد بن خالد سخن زیاد است اما شیخ طوسی رضوان الله علیه و علامه حلی ان را از اصحاب ائمه و ثقه میدانند

شیخ طوسی در کتاب رجال خود نام او را از ثقات اصحاب امام کاظم ع می آورد

محمد بن خالد البرقی، ثقة، هوَلا من أصحاب أبي الحسن موسى عليه السلام

رجال طوسی ص ۳۶۳

علامه حلی هم پس بیان رای شیخ طوسی و نجاشی رای به قبول روایت از محمد البرقی میدهد

محمد بن خالد بن عبد الرحمان بن محمد بن علی البرقی، أبو عبد الله، مولى ابي موسى الاشعري، من اصحاب الرضا (عليه السلام)، ثقة... والاعتماد عندي على قول الشيخ ابي جعفر الطوسي رضى الله عنه من تعديله

خلاصه الاقوال حلی ص ۲۳۷

«اذعان علمای شیعه به تواتر حدیث غدیر»

محمد بن جریر طبری شیعی : قرن چهارم

الحدیث المتواتر فی خطبة الغدیر الشهیره

حدیث متواتر در خطبه مشهور غدیر

دلائل الامامه - محمد بن جریر طبری شیعی - ص ۱۸

خواجه نصیر الدین طوسی : قرن ششم

و لحدیث الغدیر المتواتر

خواجه نصیر الدین طوسی میگوید : و حدیث غدیر متواتر است

تجرید الاعتقاد - نصیرالدین الطوسی - ج ۱ - ص ۲۲۶

علامه حلی : قرن هفتم

العاشر : الخبر المتواتر، و هو قوله علیه السلام يوم غدیر خم

علامه حلی دهمین دلیل از دلایل تعدد امامت مولی الموحدین را خبر متواتر

غدیر میدانند

منهاج الیقین - علامه حلی - ج ۱ - ص ۴۷۵

علامه حلی : قرن هفتم

قال : ولحدیث الغدیر المتواتر . أقول : هذا دلیل آخر علی إمامة علی علیه السلام

علامه حلی در شرح اینکه خواجه نصیر الدین طوسی حدیث غدیر را متواتر

میدانند میگوید این دلیلی دیگر بر امامت امیرالمومنین علیه السلام است

کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (قسم الإلهیات) - العلامة الحلی - ص ۱۹۳

علامه محمد تقی مجلسی : قرن دهم

في الموثق كالصحيح والكليني في القوي عنه « عن أبان (إلى قوله) أقام فيه أمير المؤمنين عليه السلام « مقامه صلى الله عليه وآله وسلم بقوله المتواتر عنه من العامة والخاصة (ألسنت أولى بكم من أنفسكم ؟ فقالوا : بلى يا رسول الله فقال : من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله والعن على من ظلمه)

مجلسی اول در شرح حدیثی در مورد مقام حضرت علی علیه السلام روایت غدیر را نزد عامه و خاصه متواتر میداند

روضه المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه - محمد تقی المجلسی - ج ۵ ص ۳۱۵-۳۱۶

علامه محمد باقر مجلسی : قرن یازدهم

و نص صريح امامت که در آن روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امامت آن حضرت نمودند بدان که قصه غدیر از متواتراتست و کسی که انکار تواتر آن نماید انکار تواتر وجود مکه میتواند نمود

حق الیقین - علامه مجلسی - ج ۱ - ص ۹۵

آیت الله میرزا حبیب الله هاشمی خویی: قرن دوازدهم

حدیث الغدیر المتواتر الذی قاله النبی صلی الله علیه وآله بمحضر سبعین ألفاً من المهاجر والأنصار والحاضر والباد

حدیث غدیری که پیامبر در محضر هفتاد هزار نفر از مهاجر و انصار و شهرنشین و بادیه نشین گفته است متواتر است

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة - حبیب الله الهاشمی الخوئی - ج ۲ ص ۳۴۷

علامه میرحامد حسین : قرن دوازدهم

حدیث الغدیر المتواتر....

حدیث غدیر متواتر است

خلاصه عبقات الأنوار - السيد حامد النقوی - ج ۹ ص ۲۴۴

ایت الله سید شرف الدین موسوی : قرن سیزدهم

مثل حدیث الغدیر المتواتر وغيره من الاحادیث

ایت الله سید شرف الدین در مورد اسنادی که در مورد امامت آمده است میگوید

مانند حدیث غدیر که متواتر است و احادیثی دیگر

النص والإجتهد - السيد شرف الدین - ص ۱۴۵

محقق همدانی : قرن سیزدهم

بنص خبر الغدیر المتواتر بین الفريقین

حدیث غدیر بین دو مذهب متواتر است

مصباح الفقیه (ط.ق) - علامه کبیر آقا رضا الهمدانی - ج ۲ ص ۴۹۵

علامه امینی : قرن سیزدهم

حدیث الغدیر المتواتر المقطوع بصدوره....

علامه امینی میگوید : حدیث غدیر متواتر و قطعی الصدور است ...

الغدیر - الشيخ الأمینی - ج ۹ ص ۳۴۹

آیت الله العظمی مکارم شیرازی : معاصر

ما ثبت من ضرورة المذهب من أن إمامته (عليه السلام) كانت بنصب من رسول الله (صلى الله عليه وآله) ومن قبل الله من غير حاجة إلى بيعة الناس معه، ويشهد له الحديث المتواتر الذي ورد في الغدير وغيره .

آیت الله العظمی مکارم شیرازی این موضوع که نصب امام به دست حضرت رسول الله (ص) و از جانب خداوند بوده است و این امامت هیچ حاجتی به بیعت مردم ندارد را از ضروریات مذهب دانسته و حدیث متواتر غدیر و دیگر احادیث را شاهد این کلام خود میاورد

بحوث فقهیة مهمة - الشيخ ناصر مكارم الشيرازي - ص ۴۸۴

آیت الله کورانی عاملی : معاصر

حدیث الغدير المتواتر حيث خطب النبي صلى الله عليه وآله في المسلمين ورفع بيد علي وقال : من كنت مولاه فعلى مولاه

آیت الله کورانی حدیث غدیر که در آن پیامبر خطبه غدیر را میخواند و دست حضرت علی (ع) را بالا برده و میگوید من کنت مولاه فعلى مولاه را متواتر میداند

الموظف الدولي لمهاجمة الشيعة - الشيخ على الكوراني العاملی - ص ۱۴۱

سید جعفر مرتضی‌ العاملی : معاصر

وهناك أيضاً حديث الغدير المشهور المتواتر وحديث : أنت مني بمنزلة هارون من موسى ، غير أنه لا نبىّ بعدى ، إلى عشرات بل مئات الأحاديث المتواترة ، الدالة على تنصيب النبىّ (ص) لعلی (ع) إماماً بعده

ایت الله سید جعفر مرتضی‌ حدیث متواتر غدیر ، حدیث منزلت و ... را از ده ها بلکه صد ها حدیث متواتری که دال بر امامت امیرالمومنین (ع) و نصب حضرت توسط پیامبر (ص) است بیان میکند

دراسات وبحوث فی التاریخ والإسلام - السید جعفر مرتضی‌ العاملی - ج ۴ ص ۱۱۰

«نتیجه گیری»

بعد از بررسی این چهار روایت که متشکل از دوازده طریق صحیح و یک طریق حسن بود به این نکته میرسیم که بر خلاف ادعای واهی وهابیون این روایت نه تنها در منابع شیعه دارای سند صحیح بوده ، بلکه از روایات متواتر است و علمای شیعه از متقدمینی همچون طبری شیعه ، خواجه نصیر و علامه حلی تا متاخرینی مانند میرحامد حسین ، علامه امینی ، سید شرف الدین موسوی و ایت الله العظمی مکارم شیرازی به این تواتر اذعان دارند

روایت غدیر که بعد از دلایل قرآنی از مهمترین ادله امامت حضرت علی علیه السلام نه تنها در کتب شیعه متواتر است بلکه در منابع اهل سنت نیز تواتر آن ثابت شده است تا جایی که علمایی چون ذهبی ، ابن حجر عسقلانی ، ابن حجر هیتمی ، سیوطی ، ملا علی قاری ، ابوحامد غزالی ، صنعانی ، کتانی و ناصرالدین البانی نیز به آن اعتراف کرده اند

پس پاسخ اول به وهابیون مدعی ضعف این روایت از جانب خود علمای اهل سنت و پاسخ کوبنده و محکم نیز از جانب شیعیان حیدر کرار است

خداوند عزوجل را بابت نعمت حب به اهل بیت علیهم السلام سپاس میگوییم

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته